

انواع آسیب های اجتماعی و راهکارهای پیشگیری از آن

▶ آسیب شناسی اجتماعی چیست؟

▶ آسیب های اجتماعی به دسته ای از به نابسامانی ها و ناهنجاری های رفتاری افراد یک جامعه چه به صورت فردی و یا جمعی اطلاق میشوند که ریشه در بی نظمی ها، کج کارکردی ها پدیده های اجتماعی و پیامدهای نامطلوب آنها دارد. این آسیب ها موجب رنجش روانی و جسمی اقشار خاص و آسیب پذیر جامعه می شوند.

▶ هنجارها و ناهنجاریها چیست؟

▶ در اصطلاح جامعه‌شناسی هنجار به الگوی رفتاری گفته می‌شود که روابط اجتماعی را تنظیم می‌کند و اکثریت جامعه خود را به آن پایبند می‌دانند. هنجارهای اجتماعی، رفتارهای معینی هستند که بر اساس ارزش‌های اجتماعی قرار دارند و با رعایت کردن آنها جامعه انتظام پیدا می‌کند. در واقع تنظیم روابطی است که اکثریت از آن پیروی می‌کنند و عدم رعایت آن مجازات در پی دارد.

▶ کسانی که در جامعه به لحاظ رفتاری، اعمالی را انجام می‌دهند که از سوی مردم مورد قبول نیستند، ناهنجار تلقی می‌شوند. در واقع همان رفتارهایی که در زمان مناسب خود انجام نشوند، ناهنجاری‌های اجتماعی لقب می‌گیرند.

کج روی اجتماعی:

اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقی می شود. سازمان یا هر جامعه ای از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش ها و هنجارهای خود تبعیت کنند. اما طبیعی است که همواره افرادی در جامعه یافت می شوند که از پاره ای از این هنجارها و ارزش ها تبعیت نمی کنند. افرادی که همساز و هماهنگ با ارزش ها و هنجارهای جامعه و یا سازمانی باشند، «همنوا» و یا «سازگار» و اشخاصی که برخلاف هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و بدان ها پای بند نباشند، افرادی «ناهمنوا» و «ناسازگار» می باشند. در واقع، کسانی که رفتار انحرافی و نابهنجاری آنان دائمی باشد و زودگذر و گذرا نباشد، کجرو یا منحرف نامیده می شوند

▶ **مهمترین آسیب های اجتماعی در جامعه امروزی عبارتند از:**

▶ **۱- آسیب های اجتماعی فضای مجازی:**

▶ استفاده از فضای مجازی علیرغم اینکه دارای فرصت های فراوانی است و باعث سهولت امور خواهد شد، در صورت عدم مدیریت صحیح و رها ساختن آن، باعث بروز نتایج ناگوار و آسیب های متعددی به خصوص برای کودکان و نوجوانان خواهد شد. گسترش استفاده از اینترنت و فضای مجازی در تعاملات روزمره منجر به ایجاد تغییر در سبک زندگی روزمره افراد به ویژه قشر جوان شده است. جاذبه های این فضا موجب شده که افراد ساعات زیادی از روز را در این فضا گذرانده و تعاملات در این فضا را به جای تعاملات با اعضای خانواده و همسالان خود ترجیح دهند که این موضوع صدمات جبران ناپذیری را به رشد اجتماعی افراد وارد کرده و ساختار زندگی اجتماعی آنان را تغییر داده است.

- ▶ از جمله مهمترین آسیب های اجتماعی فضای مجازی عبارتند از:
- ▶ عدم مسولیت پذیری
- ▶ اشاعه سستی و تنبلی
- ▶ تبدیل شدن سرگرمی به هدف
- ▶ ناتوانی در مدیریت زمان
- ▶ تمایل به گوشه نشینی و انزوا
- ▶ افزایش روحیه پرخاشگری و خشونت

۲- آسیب های اجتماعی بزهکاری:

- ▶ بزهکاری در معنای عام و در زیر مجموعه سرقت که هم از لحاظ عرفی و هم قانونی به عنوان یک آسیب اجتماعی جدی محسوب می شود. عوامل متعددی در بروز این مشکل دخیل هستند از جمله: فقر مادی و فرهنگی، بیکاری، اعتیاد و شبوه های نادرست تربیتی.
- ▶ بزهکاری یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط های اجتماعی مختلف به شکل های متفاوتی دیده می شود. تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می شود.
- ▶ بزهکاری اقدام به عملی است که برخلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد و لذا چنین اقدامی بزهکاری یا **جرم** تلقی می شود و کسانی که مرتکب چنین عمل خلافی شوند، مجرم یا **بزهکار** نامیده می شوند.
- ▶ اما باید این مسئله را در نظر داشت که پایه های شخصیت اهمیت ویژه ای در ارتکاب بزهکاری دارند. مواردی از قبیل: محیط اجتماعی نادرست- محیط خانوادگی مختل شده- تفاوت طبقاتی و شکاف اقتصادی- زاغه نشینی شهرهای بزرگ- معاشرت با افراد ناصالح- آسیب های روحی در دوران کودکی- ناکامی های متعدد و احساس نارضایتی از زندگی می توانند عوامل تاثیرگذار قوی در بزهکاری افراد باشند.

۳- آسیب های اجتماعی اعتیاد:

معضل اعتیاد و روند روبه رشد آن به خصوص در بین جوانان زنگ خطر را برای خانواده ها و جامعه به صدا در آورده است. بیش از نیمی از جرایم در سطح کشور ما مربوط به مواد مخدر است. اعتیاد به مواد مخدر موجب ضرر و زیان و آسیب های فردی و اجتماعی فراوانی می شود و زمینه را برای بسیاری از کج رویها فراهم می کند. متأسفانه در کشور ما مصرف مواد مخدر در بین جوانان و نوجوانان در حال افزایش است. بسیاری از جوانان به علت احساس درماندگی، ناکامی، عدم کفایت و همینطور رهایی از تنهایی و فشار روانی، معتاد می شوند و رهایی از اعتیاد به سادگی میسر نمی شود. همچنین تعداد زیادی از فرزندان طلاق به عنوان کسانی که از تربیت صحیح برخوردار نیستند به شکل قابل توجهی مستعد گرفتار شدن در دام اعتیاد به مواد مخدر هستند. این گروه به علت نداشتن پشتوانه خانوادگی و تربیت صحیح و از روی حس کنجکاوی و همچنین در اثر معاشرت با کسانی که آنها را به استفاده از داروی مخدر تشویق می کنند، برای اولین بار مواد مخدر را تجربه نموده و دچار اعتیاد به مواد مخدر می شوند.

► **اختلال شخصیتی** بیش از همه چیز فرد را در برابر اعتیاد آسیب‌پذیر می‌سازد. علاوه بر این، اعتیاد خود نیز اختلال‌های موجود را تشدید می‌کند و این دایره معیوب ادامه می‌یابد. شخص معتاد برای بدست آوردن ماده مخدر دست به اعمال خلاف قانون و اخلاق می‌زند و با آزاد شدن از قید و بندهای اخلاقی مرتکب جنایت نیز می‌شود. به طور کلی شخصیت‌های روان‌نژند (یعنی کسانی که دارای بیماری‌های روانی خفیف هستند. این افراد با علائم ضعف روانی، اضطراب، وسواس، ترس و بی‌اراده بودن در تصمیم‌گیری شناخته می‌شوند.) و نیز روان‌پریش (یعنی کسانی که به علت عدم رشد خلقی، در سازش اجتماعی دچار اشکال هستند و دارای خلق و خوی متغیر و قضاوت ناپایدار می‌باشند.) را می‌توان در برابر اعتیاد بسیار آسیب‌پذیر دانست.

۴- آسیب های اجتماعی طلاق:

طلاق نیز از جمله آسیب های اجتماعی است که در اغلب جوامع رو به رشد قابل مشاهده است. از هم پاشیدگی خانواده ها، به جا ماندن فرزندان این خانواده ها یا همان "فرزندان طلاق" که آنان نیز دچار مشکلات و کاستی هایی مختص به خود می شوند و نیز کمرنگ شدن محبت و عاطفه در میان اعضای خانواده و افزایش بزه در نوجوانان و جوانان از جمله مسایلی است که در قرن اخیر گریبانگیر بسیاری از جوامع انسانی شده است. در همین رابطه به نظر می رسد که از عوامل مهم در کاهش میل ازدواج و تشکیل خانواده در جوانان، افزایش آمار طلاق و از هم پاشیدگی کانون گرم و صمیمی خانواده در یک جامعه می باشد. اغلب کارشناسان و صاحب نظران اجتماعی بر این باورند که عواملی مانند فشارهای اقتصادی و بالا رفتن هزینه های زندگی، فشارهای روانی، عدم داشتن تفاهم، اعتیاد، بالا رفتن توقعات زوجین، ازدواج بخاطر ظواهر، در مواردی عدم تناسب تحصیلات زوج و دیگر عوامل در بروز این پدیده رو به افزایش نقش دارند.

▶ ۵- آسیب های اجتماعی بیکاری:

▶ بخش گسترده‌ای از آسیب‌های اجتماعی مثل اعتیاد، طلاق و انواع بزهکاری‌ها نتیجه بیکاری و فراهم نبودن فرصت‌های شغلی مناسب برای افراد است و متأسفانه بسیاری از افراد با وجود داشتن تحصیلات دانشگاهی، نمی‌توانند شغلی مناسب داشته باشند و امروزه تعداد تحصیل کرده‌های با استعداد بیکار در جامعه ما کم نیست.

▶ ۶- آسیب های اجتماعی خودکشی:

▶ خودکشی پدیده‌ای پیچیده‌تر از مرگ است این آسیب اجتماعی مهم در حال گسترش بین مردم و به ویژه نسل جوان است. اختلافات خانوادگی و زناشویی، افسردگی، فقر و بدهکاری مالی و ناکامی و شکست در زندگی از مهم‌ترین عوامل خودکشی محسوب می‌شود. در فقه اسلامی خودکشی از گناهان کبیره است و باعث می‌شود که آدمی برای همیشه در جهنم حبس گردد.

عوامل موثر در ایجاد آسیب های اجتماعی

۱- نابرابری های اقتصادی و اجتماعی

اختلاف طبقاتی هر جامعه، افراد را در موقعیت هایی قرار می دهند که نمی توانند نقش های اجتماعی مناسب خود را بیابند در حالی که برای رسیدن به جایگاه اجتماعی مطلوب تلاش کرده ،سالها تحصیل کرده اند و شایستگی طبقه اجتماعی مورد نظر را به دست آورده اند اما چون جامعه ای که دچار اختلاف طبقاتی است شایسته سالاری در آن خدشه دار می شود فرد بعد از سالها تلاش نمی تواند به آن طبقه اجتماعی مطلوب و مورد نظر دسترسی یابد. بنابراین دچار تفاوت در معیارها شده و با هنجارهای اجتماعی وارد ستیز می شود و در نتیجه عدم پایداری به قوانین اجتماعی افزایش می باید که از درون این تضاد کشش به سمت انحرافات اجتماعی به وجود می آید.

۲- رفاه اقتصادی خانواده

در خانواده هایی که رفاه اقتصادی زیاد است، روابط انسانی بر اثر کثرت کار و فعالیت ضعیف تر می شود. ضعف روابط انسانی به نوبه خود عامل مساعدی برای کشش به سوی انحرافات اجتماعی است. امروزه والدین و فرزندان نسبت به هم احساس و عاطفه گذشته را ندارند چون با هم تماس و ارتباط کمتری دارند.

۳- فقر مالی خانواده

در مطالعات علمی نشان داده شده است که فقر مبنا و اساس انحرافات اجتماعی است. از آنجایی که مجرمین، معتادین به مواد مخدر و الکل، مبتلایان به امراض روانی و اشخاصی که اقدام به خودکشی می نمایند غالباً از طبقات پایین اجتماعی بوده اند. در عصر حاضر فقر به عنوان عامل عمده انحرافات اخلاقی یاد شده است. ارتکاب جرایم طبقات فقیر از شکافی که بین خواسته های جوانان آن طبقه با آنچه در دسترس آنهاست سرچشمه می گیرد. عمده ترین علت انحرافات اخلاقی طبقه فقیر نتیجه فشار های حاصله از شکست در رسیدن به اهداف معین است.

۴- بیکاری

بیکاری به عنوان یک مسأله اجتماعی زمینه مساعدی برای انحرافات اجتماعی است. افراد بیکار بیشترین اوقات خود را در اماکن عمومی از جمله پارک ها می گذرانند و اینگونه اماکن بهترین و مناسب ترین مکان برای گشش به سمت انحرافات اجتماعی از جمله اعتیاد است.

۵- رشد صنعت و پیشرفت تکنولوژی

اگر در جامعه ای رشد صنعت به سرعت افزایش یابد و درآمد حاصل از آن به طور عادلانه توزیع نگردد امکان وقوع سه اتفاق وجود دارد:

اول ، کارکنان برای ادامه زندگی در چنین جامعه ای مجبور می شوند ساعات بیشتری را به کار مشغول شوند و این به نوبه خود موجب خستگی جسمی و روحی در افراد می شود.

دوم، در صورتیکه دولت برنامه ریزی اجتماعی برای اوقات فراغت افراد در جامعه را فراهم نکند خود زمینه انحرافات اجتماعی را فراهم کرده است

سوم ، رشد شهرها باعث افزایش فاصله و شکاف طبقاتی شده که این مسأله موجب کمتر شدن ارتباط بین دوستان و خویشاوندان شده که در نتیجه عاطفه بین افراد کمرنگ تر شده و خود زمینه انحراف اجتماعی را فراهم می کند.

۶-ستیز و ناسازگاری بین والدین

اختلافات زناشویی و نزاع بین پدر و مادر باعث می شود محیط خانواده برای تربیت فرزندان، نا امن و نامناسب شود. وقتی خانواده کانون و محیط مناسبی برای زندگی نباشد، انسان سعی میکند بیشترین اوقات خود را در خارج از خانواده بگذراند و این کار ارتباط او را با دیگرانی که چون شکارچیان ماهری به دنبال شکار می گردند، زیاد می کند و آنها پس از شناخت مشکل شخصی در نقش انسانی دلسوز ظاهر شده و برای فرار از این واقعیت تلخ، فرد را به سوی اعتیاد و دیگر انحرافات اجتماعی فرا می خوانند. هر چقدر ستیزه های خانوادگی بیشتر باشد، احتمال کشش به سمت انحرافات اجتماعی بیشتر است.

۷-شیوه های تربیتی والدین

مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که رفتارهای کودکان و نوجوانان با شیوه های تربیتی والدین رابطه مستقیم دارد. شیوه های تربیتی والدین میبایست با سطح نیازها و خواسته های مختلف فرزندان و همچنین با متدهای تربیتی صحیح هماهنگ باشد.

▶ ملاک ها و معیارهای تشخیص آسیب های اجتماعی

▶ حال سؤال این است که چگونه تشخیص دهیم رفتاری از حالت عادی و به اصطلاح نرمال خارج شده و به حالتی غیرنرمال و نابهنجار تبدیل شده است؟

▶ ملاک ها و معیارهایی وجود دارد. با این معیارها و ملاک ها می توان تشخیص داد که رفتاری در یک سازمان، نهاد و یا جامعه ای عادی و مقبول و نرمال است، یا غیر عادی، غیرنرمال و نابهنجار. عمدتاً چهار معیار برای این امر وجود دارد::

▶ **۱- ملاک آماری:** از جمله ملاک های تشخیص رفتار نابهنجار، روش توزیع فراوانی خصوصیات متوسط است که انحراف از آن، غیر عادی بودن را نشان می دهد. کسانی که بیرون از حد وسط قرار دارند، افراد نابهنجار تلقی می شوند و رفتار آنان رفتاری غیرنرمال و انحرافی تلقی می شود. برای مثال، از نظر آماری وقتی گفته می شود که لباسی مُد شده، یعنی بیشتر افراد جامعه آن را می پوشند. بنابراین، صفتی که بیشتر افراد جامعه نپذیرند، خارج از هنجار تلقی شده و غیر طبیعی و نابهنجار تلقی می شود..

▶ **۲- ملاک اجتماعی:** انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند. اینکه تا چه حد رفتار فرد با هنجارها، سنت ها و انتظارات جامعه و یا نهاد و سازمان خاصی مغایرت دارد و جامعه چگونه درباره آن قضاوت می کند، معیار دیگری برای تشخیص رفتار نابهنجار و بهنجار است. یعنی رفتاری که مورد قبول افراد نباشد و مثلاً با پوشیدن لباس خاصی از سوی افراد جامعه با عکس العمل آنان مواجه شویم، این گونه رفتارها نابهنجار تلقی می شود. البته، این معیار هم در همه جوامع امری نسبی است.

▶ **۳- ملاک فردی:** از جمله ملاک های تشخیص رفتار نابهنجار، میزان و شدت ناراحتی است که فرد احساس می کند. یعنی اگر این رفتار خاص، با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی سازمان خاصی مثلاً فرهنگیان و یا کل افراد جامعه ناسازگار باشد، یعنی به سازگاری فرد لطمه بزند و با عکس العمل افراد آن جامعه یا آن نهاد مواجه گردد، چنین رفتاری نابهنجار تلقی می شود.

▶ **۴- ملاک دینی:** علاوه بر این، در یک جامعه دینی و اسلامی، معیار و ملاک دیگری برای تشخیص رفتارهای بهنجار از نابهنجار وجود دارد؛ معیار تشخیص ارزش ها و هنجارهای دینی به وسیله آموزه های دینی تعیین می شود. ممکن است رفتاری خاص در اجتماع هنجار تلقی نشود و مرتکبان را کسی توبیخ و یا سرزنش نکند ولی در شرایطی خاص ارتکاب چنین عملی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی شود. برای مثال، خوردن و آشامیدن در روزهای عادی و حتی در یک جامعه دینی هنجار شکنی تلقی نمی شود. ولی اگر همین عمل در جامعه مذکور و در ماه مبارک رمضان و در ملا عام صورت گیرد، تخطی از هنجارهای دینی تلقی می شود.

▶ حال سؤال این است که آسیب ها و انحرافات اجتماعی چگونه پدید می آیند و عوامل پیدایش آسیب ها و انحرافات اجتماعی کدامند؟

▶ آنچه که مسلم است بررسی و ریشه یابی انحرافات اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. انحرافات و مسائل اجتماعی امنیت اجتماعی را سلب و مانعی برای رشد و توسعه جامعه محسوب می شود. به طور کلی، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، متأثر از مجموعه ای از عوامل است که به طور معمول در طول زندگی سر راه وی قرار دارد و وی را به انجام عملی خاص وادار می کند.

▶ عوامل به وجودآورنده انحراف و کجروی در جوامع مختلف یکسان نیست و مناطق مختلف از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد، و نیز از نظر عوامل متفاوتند. این تفاوت ها را می توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله های یک شهر مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون: شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این ها در حسن رفتار و یا بدرفتاری افراد مؤثر است.

▶ شهرنشینی لجام گسیخته، گسترش حاشیه نشینی و فقر، اتلاف منابع و انرژی را به دنبال دارد. حاشیه نشینی در شهرها، با جرم رابطه مستقیم دارد. تنوع و تجمل، اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، تورّم و گرانی هزینه های زندگی، موجب می شود تا افرادی که درآمدشان کفاف زندگی ایشان را نمی دهد، برای تأمین نیازهای خود، دست به هر کاری هر چند غیر قانونی بزنند. از دیگر عوامل محیطی جرم، می توان فقر، بیکاری، تورّم و شرایط بد اقتصادی نام برد که بر همه آحاد جامعه، اقشار، گروه ها و نهادها تأثیر گذاشته و آنان را تحت تأثیر قرار می دهد.

دومین عامل، امکانات و شرایطی است که فرد در اختیار دارد و زمینه ارتکاب وی را برای اعمال خلاف اجتماع فراهم می آورد.

فقر در خانواده، عدم تأمین نیازهای اساسی خانواده، دوستان ناباب، محیط آلوده و... نیز از عوامل روی آوری فرد به بزهکاری است.

در عین حال، به طور مشخص می توان عوامل عمده زیر را به عنوان بسترها و زمینه های پیدایش انحرافات اجتماعی و یا هر رفتار نابهنجار نام برد؛ عواملی که نقش بسیار تعیین کننده ای در پیدایی هر رفتاری، اعم از بهنجار و یا نابهنجار، ایفا می کنند. در عین حال، مهم ترین عامل یعنی خود فرد نیز نقشی تعیین کننده ای در این زمینه بازی می کنند.

اجمالاً، علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی، به ویژه در میان نوجوانان و جوانان را می توان به سه دسته عمده تقسیم نمود:

۱. عوامل شخصیتی

۲. عوامل فردی؛

۳. عوامل اجتماعی

الف. عوامل شخصیتی

این دسته از عوامل معطوف به عدم تعادل روانی، شخصیتی و اختلال در رفتار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ویژگی‌های شخصیتی افراد بزهکار و کجرو

معمولاً ویژگی‌های شخصیتی افراد بزهکار، بی‌قاعدگی رابطه و ارتباط میان فرد و جامعه و ارتکاب رفتارهای نابهنجار و خلاف مقررات اجتماعی است، ولی معمولاً از نظر مرتکب و عامل آن، این‌گونه رفتارها ناپسند شمرده نمی‌شود. افراد روان‌رنجور و روان‌پریش نسبت به ارزش‌ها، هنجارها و مقررات اجتماعی بی‌تفاوت بوده و کمتر آن‌ها را رعایت می‌کنند. اعمال و شیوه‌های رفتاری این‌گونه افراد نظام اجتماعی را متزلزل و گاهی نیز مختل می‌کند و موجب می‌شود که رعایت ارزش‌های اخلاقی و هنجارها در جامعه و نزد سایر افراد زیرسؤال رفته و آن‌را به پایین‌ترین سطح عمل تنزل دهد.

برخی از مشخصه‌های بارز و برجسته شخصیتی این‌گونه افراد، خودمحوری، پرخاشگری، هنجارشکنی و عدم احساس مسئولیت می‌باشد. این‌گونه افراد به پیامد عمل خود نمی‌اندیشند، در کارهای خود بی‌پروا و بی‌ملاحظه هستند و در پند گرفتن از تجربیات، بسیار ضعیف بوده و در قضاوت‌های خود یک سوپیه می‌باشند. این نوع شخصیت‌ها عمدتاً از محیط اجتماع، خانه و مدرسه فرار کرده، پای‌بند قواعد، مقررات و هنجارهای اجتماعی نیستند و به دنبال هر چیزی می‌روند که جلب توجه کند. حتی در پوشش و سبک و شکل ظاهری خویش، به ویژه در شیوه لباس پوشیدن، آرایش مو و صورت به گونه‌ای که خلاف قاعده و خلاف سبک مرسوم سایر افراد اجتماع باشد، عمل می‌کنند تا جلب توجه نمایند.

▶ از دیگر مشکلات روحی روانی که منجر به رفتارها و اعمال بزهکارانه افراد می شود، می توان به ضعف عزت نفس، فقدان اعتماد به نفس، احساس عدم جذابیت، افسردگی شدید و اختلال خلقی اشاره نمود. چنین افرادی معمولاً مستعد انجام رفتارهای نسنجیده و انحرافی هستند.

▶ **ب. عوامل فردی**

▶ در حوزه عوامل فردی، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

▶ ۱- آرزوهای بلند؛

▶ ۲- خوش گذرانی و لذت طلبی؛

▶ ۳- قدرت، استقلال و عافیت طلبی؛

▶ ۴- زیاده خواهی؛

▶ ۵- بی بندوباری و لاابالی گری؛

▶ ۶- بی هویتی و بی هدفی در زندگی

▶ افراد گاهی اوقات برای رسیدن به آمال و آرزوهای بلند و دست نیافتنی و مدینه فاضله ای که رسانه های ملی و یا ماهواره ها تبلیغ می کنند، مرتکب جرایم می شوند. گاهی اوقات هم ارتکاب جرایم را فقط یک کار تفتنی و به عنوان گذران اوقات فراغت می دانند با اینکه ممکن است در خانه و محیط اطراف خود مشکل حادی هم نداشته باشند که آنان را مجبور به ارتکاب رفتار نابهنجار نماید، ولی فقط به خاطر اینکه در چند روز زندگی خوش باشند، دست به ارتکاب اعمال خلاف عرف و اجتماع می زنند.

▶ گاهی نیز افراد از نعمت خانواده و والدین عاطفی برخوردارند، اما به خاطر شکست در تحصیلات و ناتوانی در ادامه تحصیل، تحقیر معلمان و فشارهای بی مورد والدین مجبور می شوند(در واقع عقده حقارت دارند) خود را به گونه ای دیگر نشان دهند و به اصطلاح «خودی» نشان دهند. و این حکایت از میل به استقلال طلبی، قدرت طلبی و یا عافیت طلبی در نوجوانان و جوانان دارد که به دلیل عدم ارضای صحیح آن دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند

▶ عده ای از نوجوانان نیز به دلیل روحیه تنوع طلبی و زیاده خواهی و عدم تربیت صحیح و عدم هدایت درست این غریزه طبیعی، دست به اعمال خلاف می زنند.

▶ گاهی هم عده ای ممکن است دارای زندگی مرفهی باشند و هیچ گونه کمبود مالی و عاطفی نداشته باشند، ولی به دلیل این که روحیه فاسدی دارند و به اصطلاح بی بند و بار و بی هویت اند و یا هدفی (بی هدفی و احساس پوچی) در زندگی ندارند، میل به بزهکاری پیدا می کنند.

▶ ج. عوامل اجتماعی

▶ خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بی کاری، شغل، رسانه ها، مهاجرت، جمعیت و..

▶ آشفته‌گی کانون خانواده

▶ از دیگر مؤلفه های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است. هر چند در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می کند.

▶ در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت کننده ای در جریان زندگی نداشته، در پاره ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای موج اجتماع، گرفتار ناملايمات می شوند

► بر اساس نظریه «کنترل» دورکیم که معتقد است ناهمنوایی و هنجارشکنی و کجروی افراد ریشه در عدم کنترل صحیح و کارای آنان دارد، به طوری که هرچه میزان کنترل اجتماعی بیشتر باشد و نظارت های گوناگون از راه های رسمی و غیررسمی، بیرونی و درونی، مستقیم و غیرمستقیم توسط والدین و جامعه وجود داشته باشند و حساسیت مردم و مسئولان افزایش یابد، میزان همنوایی مردم بیشتر خواهد بود، نیز بیانگر همین مسئله است که آشفتگی کانون خانواده یکی از عوامل مهم سوق یافتن فرزندان به سوی انحرافات اجتماعی است. (همان مسأله امر به معروف و نهی از منکر در اسلام است).

- ▶ همچنین با توجه به پژوهش های صورت گرفته در این زمینه، سارقان عمده عوامل سارق شدن خویش را «بد رفتاری، بداخلاقی، بی تفاوتی، بدزبانی و عدم برآورده شدن انتظارات از سوی همسر، خانواده و والدین» دانسته اند
- ▶ در یک پژوهش، حدود ۶۸ درصد سارقان معتقدند که والدینشان در گرایش آنان به سرقت نقش داشته اند.
- ▶ با توجه به همین پژوهش، عدم رضایت از رفتار والدین، تربیت ناصحیح، عدم کنترل و نظارت بر فرزندان، مشکلات عاطفی ناشی از فوت یکی از والدین، بی تفاوتی والدین، بی سوادی آنان و... جلگی حکایت از عدم امکان و یا عدم کنترل و نظارت فرزندان توسط والدین داشته و از آن رو که ارتباط صمیمانه والدین با فرزندان به میزان قابل توجهی کم بوده و والدین نسبت به فرزندان خویش بی توجه بوده اند، این گونه رفتارها موجب سرخوردگی فرزندان شده، زمینه ساز بروز مشکلات رفتاری برای آنان شده است. روی آوری به سرقت یکی از راه های برون رفت از نظر جوانان تلقی شده است

▶ **طرد اجتماعی**

▶ چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می‌یابد. این نوع برخورد، همواره به عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی، و مشاغل پایین خود یا والدین شان رنج می‌برند، نیز از سوی افراد جامعه مورد بی‌مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می‌شوند. این گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها، و شاید هم برای رهایی از این گونه بی‌مهری‌ها و معضلات، دست به ارتکاب جرایم و انواع انحرافات اجتماعی می‌زنند.

▶ نوع شغل

▶ از دیگر متغیرهایی که در مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در زمینه ارتکاب بزهکاری و انحرافات اجتماعی نقش بسزایی دارد، و مورد تأکید قرار گرفته است، ارتباط نوع شغل افراد با انحراف و بزهکاری است. همواره رابطه ای بین وضع فعالیت و شغل فرد با نوع رفتارهای وی وجود دارد. گرچه بین بیکاری و سابقه جرم و زندانی و دفعات ارتکاب جرم، رابطه معناداری مشاهده می شود، ولی این امر بدین معنا نیست که لزوماً بیکاری علت تکرار جرم باشد؛ زیرا ممکن است این رابطه به صورت معکوس باشد؛ یعنی کسانی که بیشتر مرتکب جرم می شوند، بیشتر شغل خود را از دست داده و بیکار می شوند.

▶ از جمله نکات مهم در نوع شغل، حساس بودن و اهمیت شغل است. هر چه شغل فرد مهم تر و از حساسیت بیشتری برخوردار باشد، هزینه ارتکاب جرم نیز افزایش می یابد. این مهم در خصوص مشاغل دولتی حایز اهمیت است. در حالی که، بیشتر مشاغل مستقل چنین حساسیتی ندارند و مجازات زندان موجب از دست دادن شغل مذکور نمی شود. بر اساس نتایج یک تحقیق، با افزایش مدت زندان و حبس، دفعات از دست دادن شغل افراد نیز افزایش می یابد.

▶ دوستان ناباب

▶ گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می گردد، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد پس از خانواده، منحصرًا زیر نفوذ گروه قرار می گیرد.

▶ سائرلند در نظریه «انتقال فرهنگی کجروی» خود بر این نکته مهم تأکید می کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران یعنی منحرفان و دوستان ناباب آموخته می شود و همان گونه که همنوایان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش های فرهنگی آن گروه و جامعه را پذیرفته و خود را با آن انطباق می دهند، افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن نیز به سمت و سوی ناهمنوایی سوق داده می شوند.

- ▶ در این خصوص سخنان رهبران دینی نیز شنیدنی است. پیامبرگرامی می فرمایند
- ▶ «المرءُ علی دین اخیه»؛ هر انسانی بر شیوه و طریقه دوست و رفیق خود زندگی می کند.
- ▶ حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرمایند: همنشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می سپارد..
- ▶ همچنین امام صادق علیه السلام می فرمایند: «لاتصحبوا اهل البدع و لاتجالسوهم فتصيروا عند الناس كواحدٍ منهم» «با افراد منحرف همنشینی و معاشرت نداشته باشید؛ زیرا همنشینی با آنان موجب می شود که مردم شما را یکی از آنان به حساب آورند.

محیط

- ▶ محیط نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایست است. اگر در منزل و خانه، کوچه، خیابان و مدرسه، و محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به سوی جرم و ارتکاب رفتار بزهکارانه سوق می دهد.
- ▶ در پیدایش هر جرمی، با تحلیل دقیق، به این نتیجه می رسیم که محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزهکار فراهم آورده و می تواند عامل مهمی برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی باشد.
- ▶ محیط در شکل گیری شخصیت و منش انسان نقش بسیار تعیین کننده و مؤثری ایفا می کند و رفتار انسان که نشانه ای از شخصیت و منش اوست، تا حد زیادی، ناشی از تربیت اکتسابی از محیط است.
- ▶ بنابراین محیط آلوده، افراد را آلوده و محیط سالم و با نشاط، زمینه ساز رشد و شکوفایی و شادابی و نشاط افراد است.

فقر فرهنگی و تربیت نادرست

از دیگر عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت‌ها و تبعیض‌های ناشی از فقر فرهنگی می‌باشد. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده‌هاست. چنان‌که سطح تحصیلات (بی‌سوادی و یا کم‌سوادی اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه‌های مذهبی، عدم هم‌نوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه‌هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک‌های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دوجندان می‌کند.

تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دلسردی آنان از زندگی می‌شوند. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود.

▶ رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی

- ▶ رسانه ها می توانند از جمله مؤلفه های در خور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت و سوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. نقش رسانه های ارتباط جمعی در سرنوشت جامعه و تاریخ، آن چنان مهم است که می تواند افراد یک جامعه را به سوی تعالی و یا سقوط سوق دهد.
- ▶ امروزه حضور گسترده رسانه های جمعی در جهت دهی به افکار عمومی جهان، از واقعیات انکارناپذیر می باشد که دنیای معاصر را از جهات متعدد تحت تأثیر قرار داده است. این معنا تا بدانجا پیش رفته که عصر حاضر را «عصر رسانه ها» نامیده اند.
- ▶ افراط در بزرگ نمایی یک امر و یا تفریط در کوچک نمایی امر دیگر توسط رسانه های عمومی در طول تاریخ، موجب رخدادهای شگفت انگیزی گردیده است.
- ▶ نقش رسانه های جمعی، به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای بندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حایز اهمیت است.

نتیجه گیری

نوجوانی و جوانی یکی از مهم ترین مراحل زندگی آدمی محسوب می شود و گذار از مرحله «پیرو دیگران بودن» به دوره «مستقل بودن» است؛ دوره ای که نوجوان به هویت واقعی خویش دست می یابد. نوجوان با خود می گوید: «اکنون من دیگر کودک نیستم، یک بزرگسالم.» در این مرحله، والدین نمی توانند آنچنان که باید تاثیر چندانی بر رفتار و منش آنها داشته باشند؛ چه اینکه وی الگوهای خود را در جای دیگری جست و جو می کند. میل به اظهار وجود و اثبات خود یکی از طبیعی ترین حالات روانی دوره نوجوانی و جوانی است.

نوجوان و جوانی که دوره کودکی را پشت سر گذارده، باید خود را برای زندگی مستقل اجتماعی آماده نماید. تحقق این موضوع، پیش از هر چیز، مستلزم یافتن هویت خویشتن است. اینک او خود را یافته است. اگر بزرگ سالان ویژگی های این دوره زندگی او را بشناسند و با آنان برخوردی مناسب داشته باشند، هم نوجوانان به هویت خویش دست می یابند و هم بزرگ سالان کمتر احساس نگرانی می کنند. از این رو، می توان گفت: بیشتر انحرافات نوجوانان و جوانان ریشه در ناکامی های اولیه زندگی دارد.

▶ امام صادق علیه السلام با بیان حکیمانه ای به این دوره از زندگی نوجوان اشاره می کنند و می فرمایند: الْوَالِدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ «کودک هفت سال اول، سید و فرمان رواست. او را آزاد بگذارید تا استقلال در عمل پیدا کند. در هفت سال دوم، آمادگی خاصی برای الگوپذیری دارد؛ چه اینکه هنوز در مرحله دیگر پیروی قرار دارد و الگوپذیر است. از این رو، سعی کنید در این دوره، الگوهای مناسبی در اختیارش قرار دهید و محیط تعلیم و تربیت او را هرچه بیشتر غنی و اصلاح کنید تا از طریق مشاهده الگوهای مفید و جذاب، رشد کند. اما در مورد دوره نوجوانی می فرماید: «وزیرٌ سبع سنين»؛ یعنی دوره «پیروی دیگران بودن» او سپری شده و با آغاز نوجوانی، دوره دست یابی به هویت خویشتن آغاز شده است. او را آزاد بگذارید تا خود انتخاب کند و حتی در مورد مسائل گوناگون زندگی با او مشورت کنید و از او نظرخواه باشید.

▶ اگر با نوجوان این گونه برخورد شود و به او شخصیت و هویت و اعتبار اعطا شود، طبیعی است که هم اعتماد به نفس او تقویت می شود و هم احساس امنیت و آرامش می کند. این اساسی ترین راه برای تربیت نوجوان است.

▶ بنابراین، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، نشئت گرفته و متأثر از مجموعه ای از عوامل است و به این دلیل هرگز نمی توان نوجوان و یا جوان را یکسره مقصر و مجرم اصلی دانست و دیگران را بی گناه. از این رو، در پیدایش بزهکاری و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز مؤثر هستند که فرد مرتکب شونده، تنها بخشی از قضیه می باشد.

- ▶ به تعبیر پریودو داریل: «بزهکار یا مریض است و یا نادان. باید به درمان و آموزش او پرداخت، نه اینکه او را خفه کرد، و از بین برد.
- ▶ اصولاً اسلام به پیشگیری جرم بیش از اصلاح مجرم اهتمام دارد. به همین دلیل پیش از هر چیز به عوامل به وجود آورنده و زمینه های گناه و جرم توجه ویژه دارد و برای مقابله با آن چاره سازی کرده است. اسلام، آگاهی، علم و تفکر را مایه اساسی هر نوع پیشرفت و سعادت دانسته، آن را بسیار می ستاید و از جهل و نادانی که مایه بدبختی و گناه است، نهی می کند. برای سلامت روح و روان، نیز به اقامه نماز و دعا امر فرموده و گذشت، مهربانی و صبوری. حق شناسی، سپاسگزاری، رعایت حرمت دیگران، عدل و احسان، توصیه نموده و از نفاق، ریا، دروغ، افترا و تحقیر به شدت بیزاری جسته است.

▶ همه افراد را در برابر اعمال خویش مسئول دانسته و می فرماید: هر کار ریز و درشتی در اعمال افراد ثبت و عمل هیچ کس ضایع نخواهد شد. علاوه بر این، به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه همگانی توجه کرده و انجام عبادات روزانه فردی و جمعی را به عنوان عوامل پیش گیرانه مطرح کرده است. البته، در جای خود پس از وقوع جرم و علی رغم آن همه التفات و توجه به امر پیشگیری و اصلاح و بازپروری، اسلام برای مجازات نیز به عنوان اهرمی برای جلوگیری از تکرار وقوع جرم تأکید فراوان دارد. در واقع، مجازات ها در اسلام نیز برای امر پیشگیری است.

پیشنهادات

الف. اقدامات پیشگیرانه

برای پیشگیری از ارتکاب عمل بزهکارانه توسط افراد به ویژه نوجوانان یا جوانان پیشنهاداتی ارائه می شود:

هماهنگ کردن بخش های عمومی و خصوصی که در زمینه پیشگیری از وقوع جرم فعالیت دارند؛ مانند نیروی انتظامی، وزارت کار و رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش، شهرداری ها، شوراها، بهزیستی و... به منظور اجرای برنامه عملی پیش گیرانه و هماهنگی بیش تر؛

آگاهی دادن به خانواده ها برای نظارت و کنترل بیشتر آنان بر فرزندان و گوشزد کردن میزان مجازات جرایم در صورت ارتکاب جرم توسط آنان؛

اتخاذ تدابیر امنیتی بیشتر توسط دولت در محل های جرم خیز و اقداماتی به منظور کمک به خانواده ها، بخصوص نوجوانان و جوانانی که در معرض آسیب قرار دارند؛

اطلاع رسانی شفاف رسانه های جمعی برای تشویق جوانان درباره تسهیلات و فرصت هایی که جامعه برای آنان قرار داده است؛

تجهیز پلیس برای مقابله جدی با باندهای مخوف انواع گوناگون بزهکاری اجتماعی در جامعه.

اقدامات امنیتی برای مراکز حساس تجاری، بانکی و... .

▶ ب. راهکارهای شناسایی مشکلات نوجوان و جوانان

▶ علاوه بر اقدامات پیشگیرانه، شناسایی راهکارهایی برای شناخت مشکلات نوجوانان و جوانان امری لازم و ضروری است. مواردی چند در این زمینه مطرح است:

▶ شناخت نیازهای روانی و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد بسیار مؤثر است و ارضا نشدن آن و یا ارضای ناقص آن، اثرات نامطلوب بر جای گذاشته و زندگی را به کام فرد تلخ می کند و فرد را به انحراف می کشاند.

▶ **توجه به مشکلات آموزشی**، مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی توجهی به تکالیف درسی و تقلب در درس.

▶ **توجه به مشکلات عاطفی**، روانی، همچون افسردگی، خیال بافی، بدبینی، خودکم بینی، خودبزرگ بینی، زود رنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم حرفی و وسواس.

▶ **توجه به مشکلات اخلاقی**، رفتاری همچون تماس تلفنی با جنس مخالف، معاشرت با جنس مخالف، شرکت در مجالس، خود ارضایی، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغگویی، اعتیاد، ولگردی

ج. وظایف خانواده

- ▶ دوستی با فرزند و حذف فاصله والدین با فرزندان، به گونه ای که آنان به راحتی مشکلات و نیازهای خود را به والدین بگویند؛
- ▶ تقویت اعتقادات فرزند، به ویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای بندی عملی والدین به آموزه های دینی؛
- ▶ ایجاد سازگاری در محیط خانه؛
- ▶ ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل والدین و فرزندان؛
- ▶ تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان توسط والدین؛
- ▶ توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده؛
- ▶ مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود؛
- ▶ برنامه ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛
- ▶ نظارت جدی والدین نسبت به دوست یابی فرزندان

د. وظایف سایر نهادها

- ▶ علاوه بر خانواده، سایر نهادها از جمله مجموعه حاکمیت، آموزش و پرورش، نهاد قضایی، بهزیستی و... نیز در این زمینه وظایفی دارند که به برخی از آن ها اشاره می گردد:
- ▶ تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی؛
- ▶ تقویت مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس؛
- ▶ بها دادن به مسئله ترک تحصیل و یا اخراج دانش آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده های آنان؛
- ▶ اعمال مجازات های سنگین، علنی و جدی (در ملأ عام) برای باندهای فساد، اغفال و...؛
- ▶ تقویت نظارت های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی های اجتماعی؛
- ▶ برنامه ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی عدالتی، و پیگیری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و نیاز شهروندان

- ▶ جلوگیری از مهاجرت های بی رویه به شهرهای بزرگ
- ▶ ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛
- ▶ ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال، و...؛
- ▶ ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بیکاری، و برخورداری نوجوانان و جوانان از تسهیلات اجتماعی و...؛
- ▶ فراهم کردن موقعیت ها و بسترهای لازم در جامعه تا زندانیان پس از آزادی از زندان مورد پذیرش جامعه واقع شوند و شغل آبرومندانه ای به دست آورند؛ در غیر این صورت، مجددا دست به اقدامات بزهکارانه خواهند زد؛
- ▶ از آن رو که از جمله عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، بیکاری و فقر می باشد، می بایست با برنامه ریزی دقیق، که نیاز به عزم ملی دارد، نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه کنی فقر و بیکاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد.

► سپاس از توجه شما سروران گرامی